

بررسی روند الگوی مصرف مواد غذایی و انرژی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سالهای ۱۳۶۲-۱۳۷۱

دکتر ابوالقاسم جزایری

(استاد تغذیه دانشکده بهداشت)

بینا صمیمی

(کارشناس ارشد علوم بهداشتی در تغذیه)

۱- مقدمه:

الگوی مصرف مواد غذایی نشاندهنده طیف وسیعی از رفتار مصرف کننده در ارتباط با مواد غذایی شامل مقدار و نوع متداول مصرف انواع مواد خوراکی، طریقه طبخ و نگهداری و نیز ضایعات مواد غذایی است. در دنیا الگوهای مختلفی در مصرف مواد غذایی به چشم می خورد. این الگوهای متفاوت نتیجه برهم کنش عوامل متعدد تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره است. در کشور ما نیز با توجه به عوامل یاد شده الگوی مصرف مواد غذایی خاصی وجود دارد که البته در شهر و روستا، مناطق مختلف جغرافیایی و طبقات مختلف درآمدی متفاوت است. اما بررسیهای متعدد انجام شده همه نشان می دهد که در مجموع الگوی مصرف مواد غذایی در ایران کیفیت مطلوبی ندارد. بر طبق مطالعات انجام شده در مناطق مختلف کشور بویژه در روستاها، در دهه های گذشته، کمبود دریافت انرژی، پروتئین حیوانی، کلسیم، آهن، ریبوفلاوین، ویتامین A و همچنین مصرف پایین گوشت، لبنیات و تخم مرغ وجود داشته است (۷-۱). نتایج بررسیهای سالهای اخیر نشان می دهد که:

الف - میزان شیوع کم خونی در حال حاضر تا ۵۰ درصد است (۸).

ب - در سطح کشور، در استانهای مختلف، بین $\frac{2}{3}$ تا $\frac{42}{5}$ درصد کودکان زیر ۵ سال،

از نظر وزن برای سن، زیر صدک سوم جامعه بازبرد قرار دارند (۹).

پ - داده‌های بررسی مصرف مواد غذایی در ۹ استان کشور در سال ۷۰-۷۲ نشان

می‌دهد که به طور تقریب از هر ۴ نفر ایرانی، یک نفر در معرض خطر کمبود کمی و یک نفر

در معرض خطر کمبود کیفی غذایی است، یک نفر غذای مطلوب می‌خورد و یک نفر نیز

پر خوری می‌کند. (۱۰).

راه حل اساسی بهبود وضعیت تغذیه‌ای کشور برنامه‌ریزی صحیح و اصولی غذا و تغذیه

است.

در کشور ما از سال ۱۳۵۰ حرکتی در جهت برنامه‌ریزی تغذیه آغاز شده است. در آن

سال سازمان برنامه و بودجه گزارش جامعی در مورد وضعیت غذا و تغذیه کشور و

دسته‌بندی گروه‌های آسیب‌پذیر تهیه کرد و نیازمندیهای غذا و تغذیه را تا سال ۱۳۷۱ با

توجه به الگوی جمعیتی و سایر عوامل پیشبینی کرد، و سپس به بررسی و تصویب

سیاستهای ملی و طرحهای کلی غذا و تغذیه کشور پرداخت. پس از انقلاب اسلامی، در

سال ۱۳۶۰ کمیته‌ای به منظور ارزیابی وضع غذا و تغذیه شروع به کار کرد و پیشنهادهایی در

زمینه بهبود سیاستها و برنامه‌های کوتاهمدت، میانمدت و درازمدت جهت بهبود وضع

تغذیه ارائه کرد (۱۱) و بالاخره در آذرماه ۱۳۷۱، دولت ایران در کنفرانس بین‌المللی تغذیه

در رم متعهد شد تا پایان سال میلادی ۱۹۹۴ یک برنامه اجرایی تغذیه برای کشور تهیه کند به

گونه‌ای که تا قبل از دهه جاری میلادی گرسنگی و کمبودهای ویتامین A و ید را حذف کند و

کم غذایی بویژه نزد زنان، کودکان و سالمندان و نیز کمبود آهن، بیماریهای تغذیه‌ای ناشی از

رژیم غذایی و بیماریهای واگیر، موانع اجتماعی و سایر موانع در راه تغذیه کودکان با شیر

مادر و سطح پایین بهداشت از جمله آب آشامیدنی ناسالم را به طور عمده‌ای کاهش دهد

(۱۲). اما با آنکه بیش از ۲۰ سال از پیدایش تفکر برنامه‌ریزی تغذیه در کشور ما می‌گذرد

هنوز مشکلات عمده‌ای بر سر راه آن قرار دارد که یکی از مهمترین آنها فقدان یک نظام اطلاعاتی منسجم و متناسب در مورد وضعیت گذشته و فعلی مصرف مواد غذایی در کشور است. (۱۱).

برای متخصصان تغذیه، اپیدمیولوژیستها و سیاستگذاران تغذیه‌ای، تجزیه و تحلیل روند الگوی مصرف مواد غذایی در بردارنده اطلاعات مختلفی است؛ برای مثال:

الف- این روش مبنای اساسی در زمینه درک نحوه تأمین نیازهای تغذیه‌ای و مشخص کردن عواملی است که افراد یا جمعیتها را در معرض خطر کمبود کلی و یا ماده مغذی خاصی یا ازدیاد مصرف قرار می‌دهد.

ب - مقایسه مواد غذایی مصرف شده در زمانهای متفاوت در یک جامعه موجب شناخت چگونگی تحول مصرف مواد غذایی و جنبه‌های مفید یا مضر تغییرات اساسی می‌شود.

پ - این روش، تأثیر اعمال سیاستهای مختلف از قبیل تغییر در تولیدات کشاورزی، واردات و صادرات، سوبسید مواد غذایی، جیره‌بندی و غیره را بر وضعیت مصرف مواد غذایی نشان می‌دهد.

ت - تغییرات عوامل فرهنگی و باورهای غذایی در درازمدت بخوبی نشان داده می‌شود.

ث - شیوع بیماریهای مزمن وابسته به تغذیه از قبیل چاقی، بیماریهای قلبی، عروقی، کمبود مواد مغذی و غیره پیش از ظهور نشانه‌های بالینی در سطح جامعه پیشبینی پذیر می‌شود. (۱۳).

باتوجه به اهمیت مسئله، تحقیق حاضر با هدف کلی تعیین روند الگوی مصرف مواد غذایی، انرژی و برخی مواد مغذی و درصد تأمین آنها در جامعه شهری و روستایی ایران طی سالهای ۶۲-۷۱ انجام شده است. امید است نتایج این مطالعه بتواند در موارد لازم مفید واقع شود.

۲- روش مطالعه

مرکز آمار ایران تنها سازمانی است که همه ساله به طور مرتب در طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، از مقدار مصرف مواد خوراکی خانوارها نیز در سطح کشور آمارگیری می‌کند. بنابراین منبع داده‌ها در این مطالعه نتایج بررسیهای بودجه و هزینه خانوار مرکز آمار ایران است. مطالعات و بررسیهای بودجه و هزینه خانوار جایگاه مهمی در نظام اطلاعات تغذیه‌ای دارد. با توجه به اهمیت شاخص قیمت در تهیه و تدوین سیاستهای قیمتگذاری، مطالعات بودجه خانوار باید در اکثر کشورها انجام گیرد. داده‌های حاصل از بررسیهای کم و بیش منظم با روش تقریباً یکنواخت می‌تواند سریهای زمانی ارزشمندی را تشکیل دهد که نشان دهنده روند مصرف غذایی باشد و این امر باعث می‌شود این بررسیها در نظام اطلاعات تغذیه‌ای سودمند افتد. (۱۴).

در مطالعه حاضر از داده‌های مرکز آمار ایران در مورد مقدار متوسط مصرف مواد خوراکی خانوار به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی سالهای ۶۲-۷۱ استفاده شده است (۱۵).

- ابتدا با استفاده از این داده‌ها حد متوسط مقدار مصرف سرانه انواع مواد خوراکی به گرم در روز در جامعه شهری و روستایی طی سالهای ۶۲-۷۱ و به تفکیک گروههای هزینه سالانه در سال ۱۳۷۱ محاسبه شد.

سپس، متوسط مقدار مصرف سرانه انرژی، پروتئین، چربی، کربوهیدرات، آهن، کلسیم و ویتامین A با استفاده از جدولهای ترکیبات مواد غذایی ایران (۱۶-۱۷)، به طور جداگانه برای مناطق شهری و روستایی و همچنین گروههای مختلف هزینه سالانه محاسبه گردید. براساس نتایج به دست آمده از محاسبات، روند مصرف مواد غذایی، انرژی و مواد مغذی مورد نظر طی سالهای مورد بررسی با استفاد از رگرسیون خطی تعیین شد و بالاخره، در مناطق شهری، روستایی و گروه‌های مختلف هزینه، سهم گروههای مختلف مواد غذایی در تأمین انرژی و سهم مواد مغذی کلان در تأمین انرژی تعیین، و میزان مصرف انرژی و مواد

مغذی با مقادیر مورد نیاز و یا توصیه شده از سوی سازمان جهانی بهداشت با در نظر گرفتن ترکیب سنی و جنسی جمعیت ایران در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ (۱۸) و نیازهای تغذیه‌ای آن (۱۹) مقایسه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳- نتایج

الف) - روند مصرف سرانه مواد غذایی در مناطق شهری،

روستایی و کل کشور طی سالهای ۶۲-۷۱

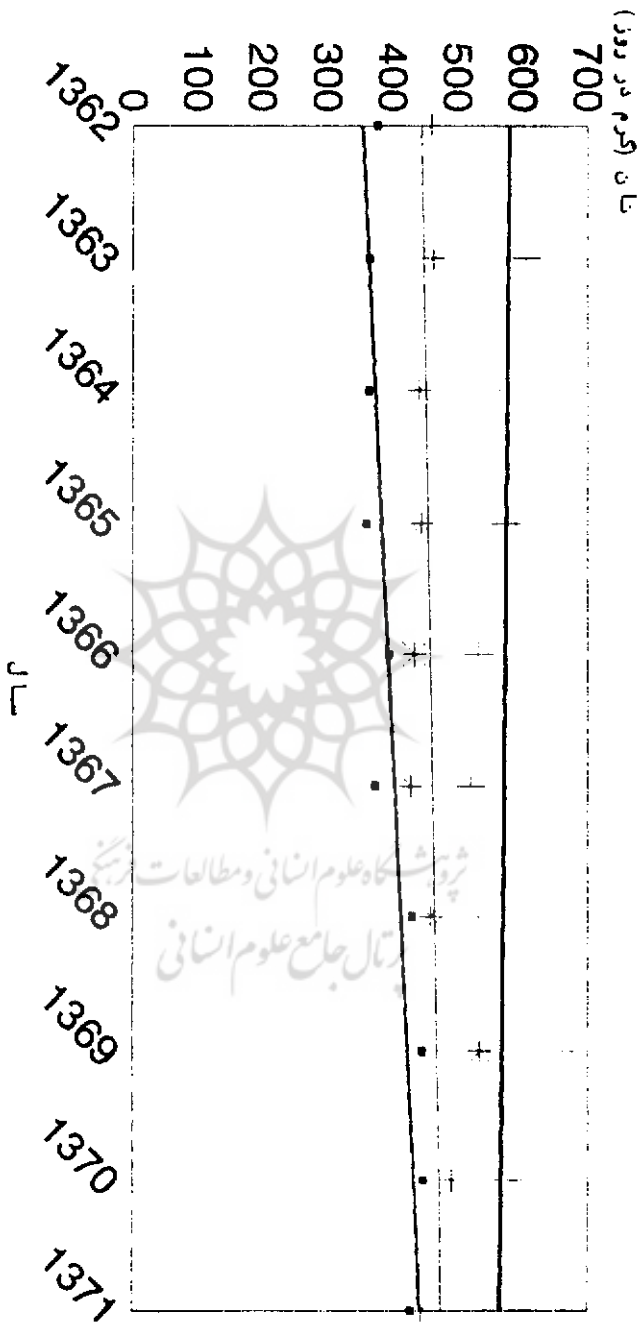
۱- نان

نمودار ۱ روند مصرف سرانه نان را در مناطق شهری، روستایی و کل کشور طی دوره بررسی نشان می‌دهد. در مناطق شهری حد متوسط مصرف سرانه نان روندی صعودی داشت و از ۳۷۷ گرم در سال ۱۳۶۲ به ۴۲۸ گرم در روز در سال ۱۳۷۱ رسید ($T=0/84$ و $P<0/003$). برعکس، در مناطق روستایی این روند نزولی بود و از ۶۰۰ گرم در سال ۱۳۶۲ به ۵۴۴ گرم در روز در سال ۱۳۷۱ رسید. اما این همبستگی از نظر آماری معنی‌دار نبود. در سطح کل کشور، روند مصرف به طور کلی صعودی بود.

۲- برنج

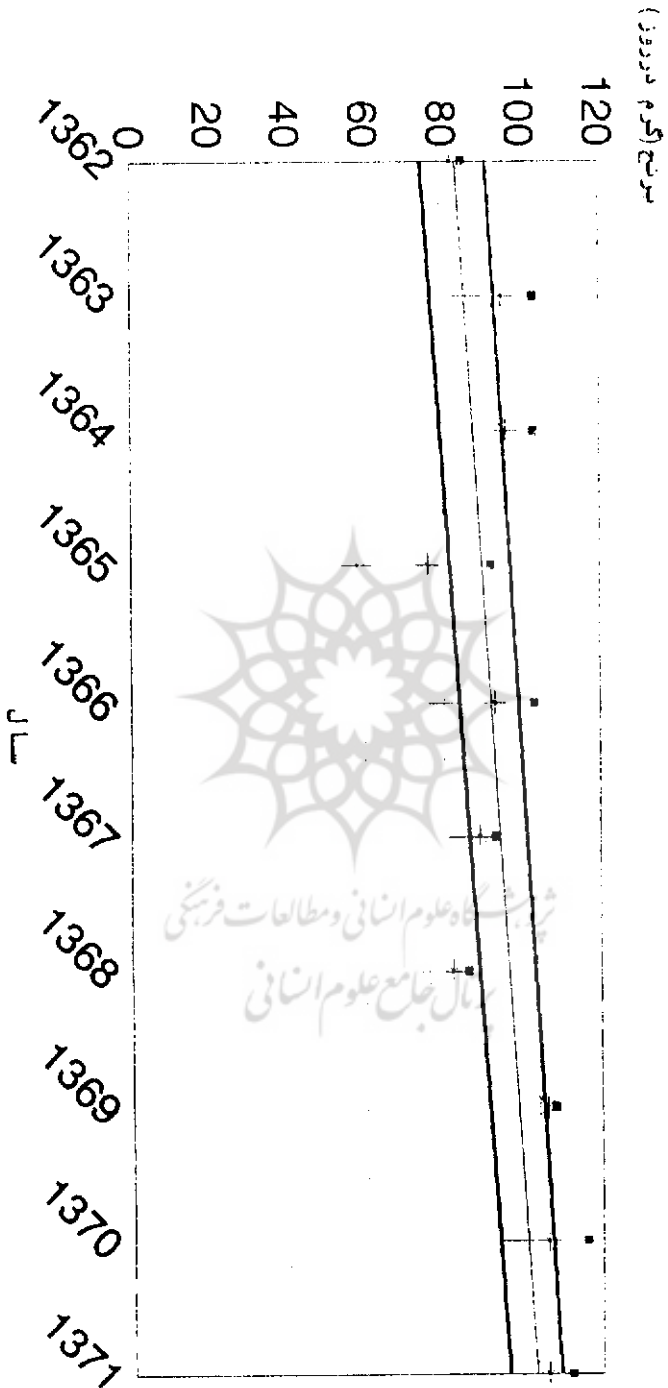
نمودار ۲ نشان می‌دهد که حد متوسط مصرف سرانه برنج در مناطق شهری و روستایی طی دوره بررسی دارای روند صعودی بود، به طوری که در مناطق شهری، روستایی و کل کشور، به ترتیب از ۸۵، ۷۹ و ۸۲ گرم در سال ۱۳۶۲، به ۹۸، ۱۱۲، ۱۰۶ گرم در روز در سال ۱۳۷۱ رسید. نکته دیگری که نمودار نشان می‌دهد این است که، برخلاف نان، مصرف برنج مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر است.

نمودار ۱: روند مصرف سرامیک سانی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور ایران ۱۳۶۲-۷۱



■ شهری $Y=322/3+9/4X$ + روستایی $Y=581/5-1/6X$ * کل کشور $Y=422+3/X$

نمودار ۲: روند مصرف سرانه برنج در مناطق شهری، روستایی و کل کشور ایران ۱۳۶۲-۷۱



—●— شهری $Y = 89.12 X$
 —+— روستایی $Y = 72.42 X$
 —*— کل کشور $Y = 81.43 / 1 X$

۳- انواع گوشت و تخم مرغ

همان طور که نمودار ۳ نشان می دهد، حد متوسط مصرف سرانه انواع گوشت و تخم مرغ طی دوره مطالعه در مناطق شهری به میزان قابل توجهی بیشتر از مناطق روستایی بود، اما در مناطق شهری، مصرف این گروه از مواد غذایی دچار افت شد به طوری که از ۱۷۵ گرم در ۱۳۶۲ به ۱۰۱ گرم در سال ۱۳۷۱ کاهش یافت. در مناطق روستایی نیز حد متوسط مصرف سرانه این گروه از مواد غذایی از ۷۱ گرم در سال ۱۳۶۲ به ۶۸ گرم در سال ۱۳۷۱ رسید. البته شیب خط رگرسیون (بافرض خطی بودن رابطه) بسیار کم ولی مثبت بود. روند مصرف در سطح کل کشور نزولی بود، به طوری که از ۱۲۶ گرم در سال ۱۳۶۲ به ۸۶ گرم در روز در سال ۱۳۷۱ رسید.

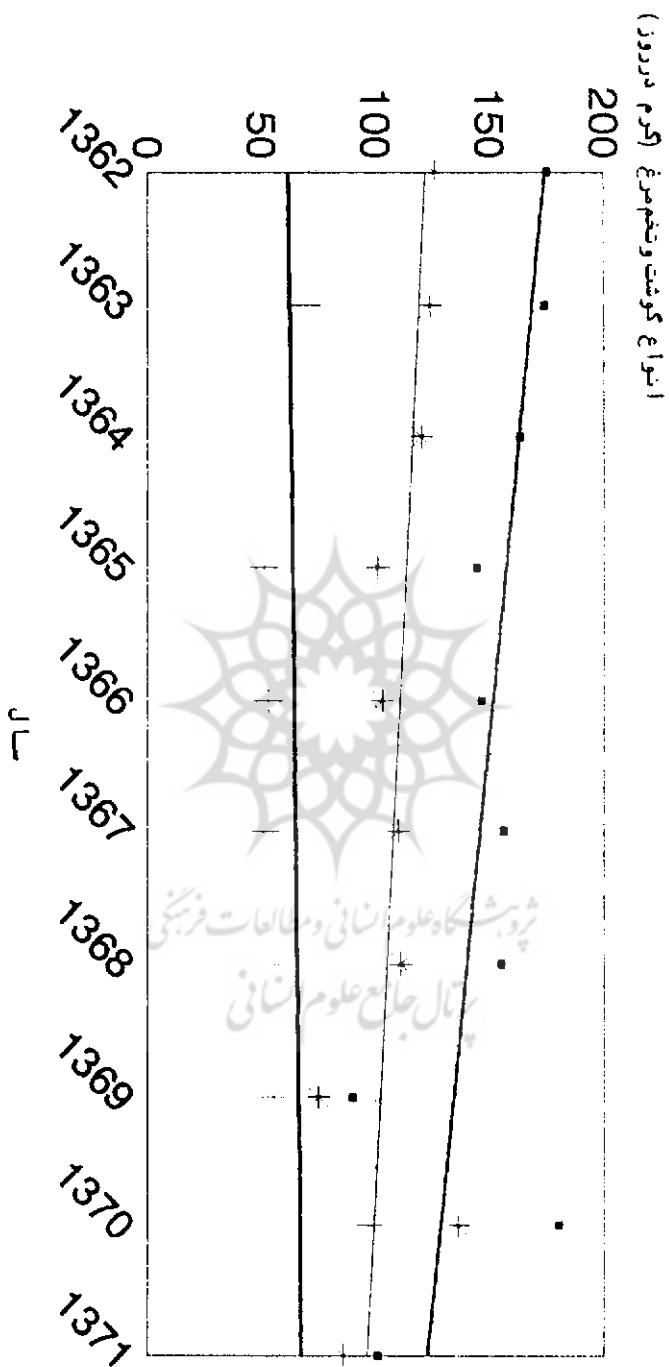
۴- شیر و فراورده های آن

نتایج این مطالعه نشان می دهد که روند مصرف سرانه شیر و فراورده های آن طی دهه مورد بررسی در مناطق شهری و روستایی نزولی بود (نمودار ۴)، که در مناطق شهری این کاهش معنی دار بود ($P < 0.02$ و $T = 0.74$). متوسط مصرف سرانه شیر و فراورده های آن در مناطق شهری، روستایی و کل کشور به ترتیب از ۱۵۲، ۱۴۷ و ۱۵۰ گرم در سال ۱۳۶۲ به ۱۱۸، ۱۵۱ و ۱۳۲ گرم در روز در سال ۱۳۷۱ رسید.

۵- انواع روغن و چربی

نمودار ۵ نشان دهنده مصرف بالاتر انواع روغن و چربی در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی است. در ضمن، این نمودار نیز نشان می دهد که سیر مصرف انواع روغن و چربی در مناطق شهری و روستایی صعودی بوده است. (در مناطق شهری، روستایی و کل کشور، به ترتیب از ۳۲، ۲۰ و ۲۶ به ۴۰، ۳۰ و ۳۶ گرم در روز).

شماره ۳: روند مصرف سرانه انواع گوشت و تخم مرغ در مناطق شهری، روستایی و کل کشور ایران ۱۳۶۱-۱۳۷۱



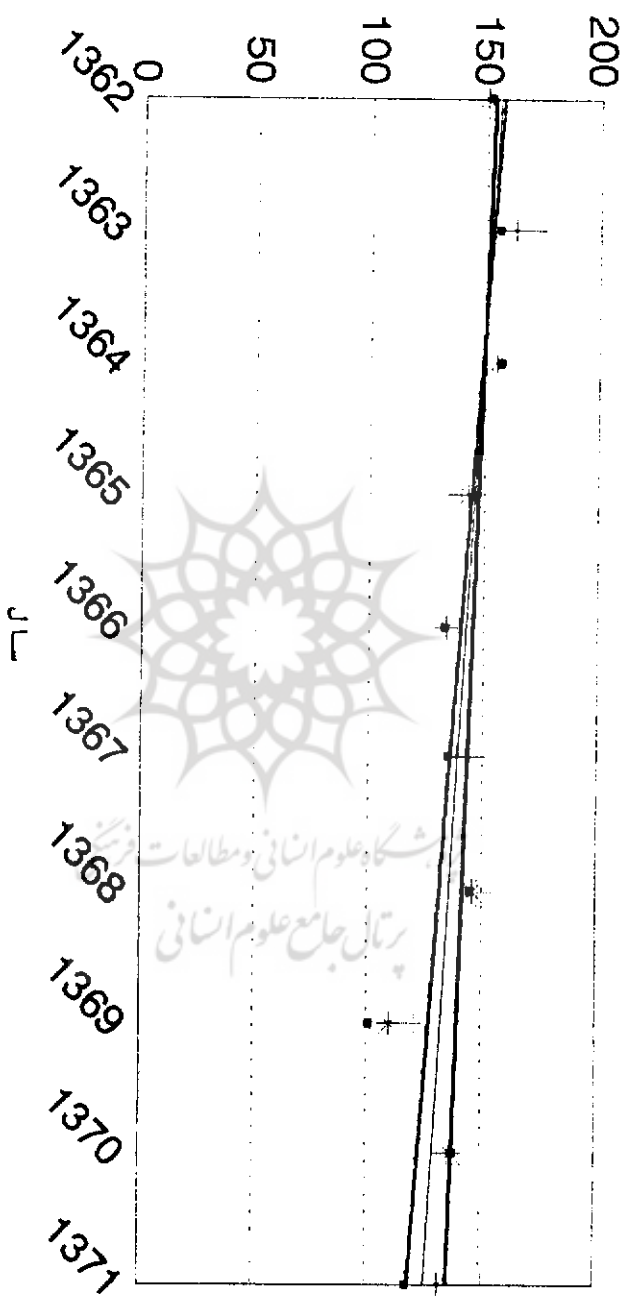
شهری
 $Y = 179/9 - 5/7X$

روستایی
 $Y = 21/2 + 0/4X$

کل کشور
 $Y = 124/7 - 7/8X$

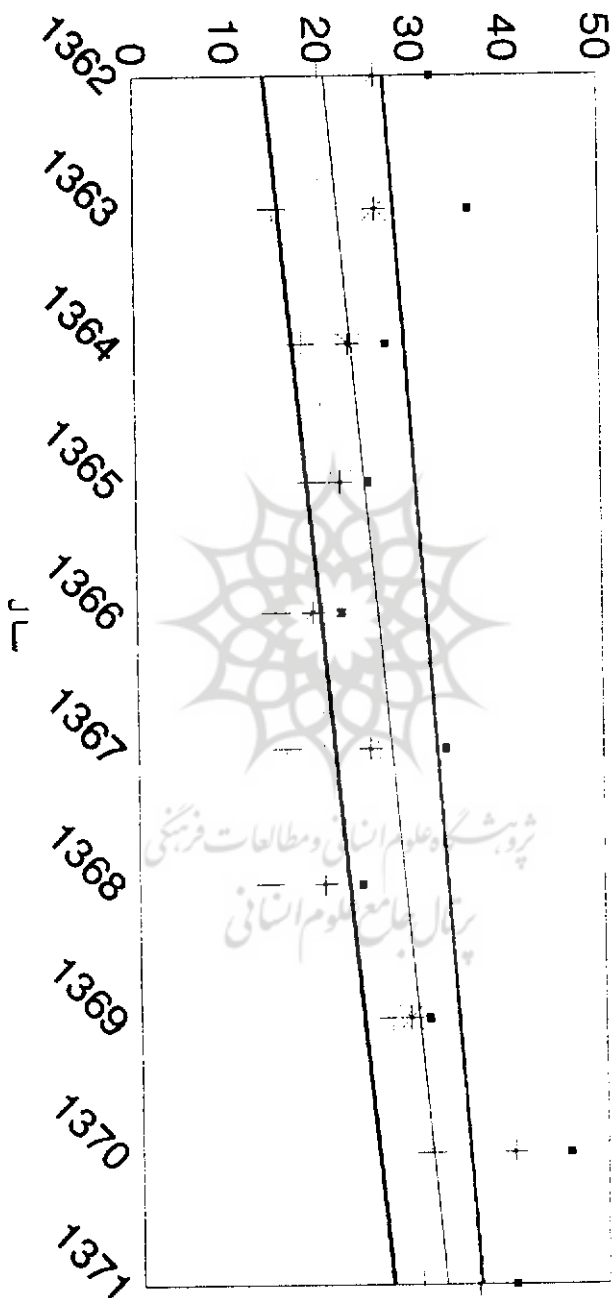
نمودار ۴: روند مصرف سرانه شیر و فرآورده‌های آن در مناطق شهری، روستایی و کل کشور ایران ۱۳۶۲-۷۱

شیر و فرآورده‌های آن (گرم در روز)



شماره ۵: روند مصرف سراسری انواع روغن و جری در مناطق شهری، روستایی و کل کشور ایران ۱۳۶۲-۷۱

انواع روغن و جری (گرم در روز)



شهری
 $Y = 25/4 + 1X$

روستایی
 $Y = 12/7 + 1/2X$

کل کشور
 $Y = 19/3 + 1/3X$

۶- انواع سبزی و میوه

نتایج این بررسی نمایانگر تفاوت‌هایی از نظر میزان مصرف سبزی و میوه بین مناطق شهری و روستایی است (نمودار ۶). در طی دوره بررسی متوسط مصرف سرانه سبزی و میوه در مناطق شهری کاهش یافت و از ۷۳۳ گرم در سال ۱۳۶۲ به ۴۰۹ گرم در سال ۱۳۷۱ رسید. در مناطق روستایی، برعکس، روندی افزایشی در مصرف سرانه سبزی و میوه مشاهده شد (از ۲۴۳ گرم در ابتدای دوره به ۳۵۰ گرم در انتهای دوره) در سطح کل کشور، حد متوسط مصرف سبزی و میوه طی سالهای ۱۳۶۲-۷۱ از ۴۹۸ گرم به ۳۸۱ گرم در روز کاهش یافت.

۷- حبوبات

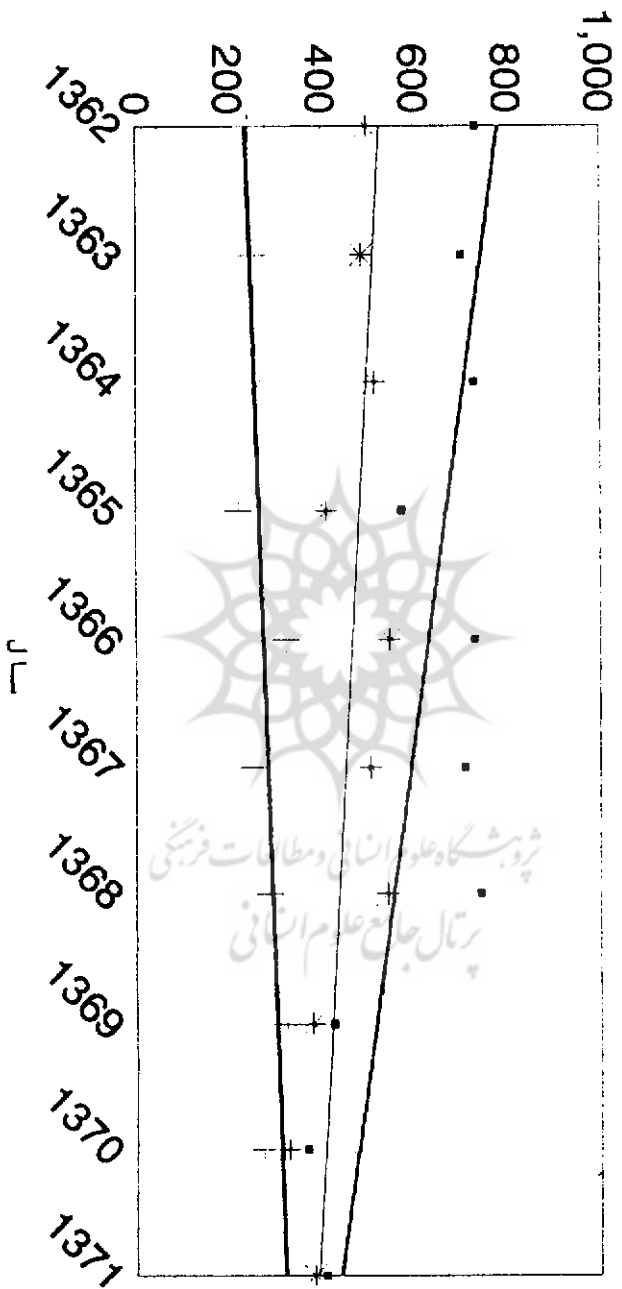
مصرف سرانه حبوبات طی سالهای ۱۳۶۲-۷۱ سیر صعودی داشت، به طوری که در مناطق شهری روستایی و کل کشور به ترتیب از ۱۴ و ۱۷ و ۱۵ در سال ۱۳۶۲ به ۲۲، ۲۱ و ۲۲ گرم در روز در سال ۱۳۷۴ رسید. در جامعه شهری ارتباط خطی بین مصرف حبوبات و سال معیندار بود ($P < 0/02$ و $r = 0/7$)

۸- قند و شکر

نمودار ۸ نشان می‌دهد که روند مصرف قند و شکر در مناطق شهری و روستایی طی دوره بررسی صعودی بود، و در مناطق شهری همبستگی قوی در آن وجود داشت ($P < 0/009$ و $r = 0/8$). حد متوسط مصرف قند و شکر در مناطق شهری، روستایی و کل کشور به ترتیب از ۴۰، ۴۴ و ۴۲ در سال ۱۳۶۲ به ۵۷، ۵۰ و ۵۴ گرم در روز در سال ۱۳۷۱ رسید.

شماره ۶: روند مصرف سرانه انواع سبزی و میوه در مناطق شهری، روستایی و کل کشور ایران ۱۳۶۲-۷۱

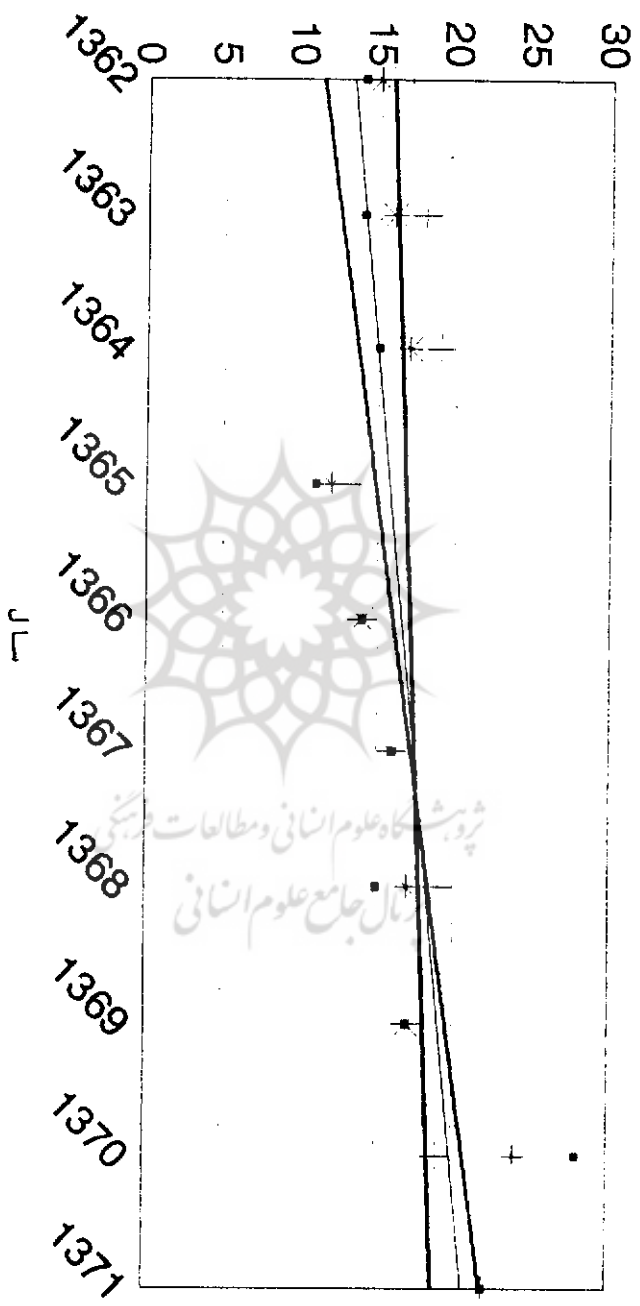
انواع سبزی و میوه (گرم در روز)



- شهری $Y = 819/5 - 27/9X$
- + روستایی $Y = 227/8 - 9/2X$
- * کل کشور $Y = 521/7 - 12/9X$

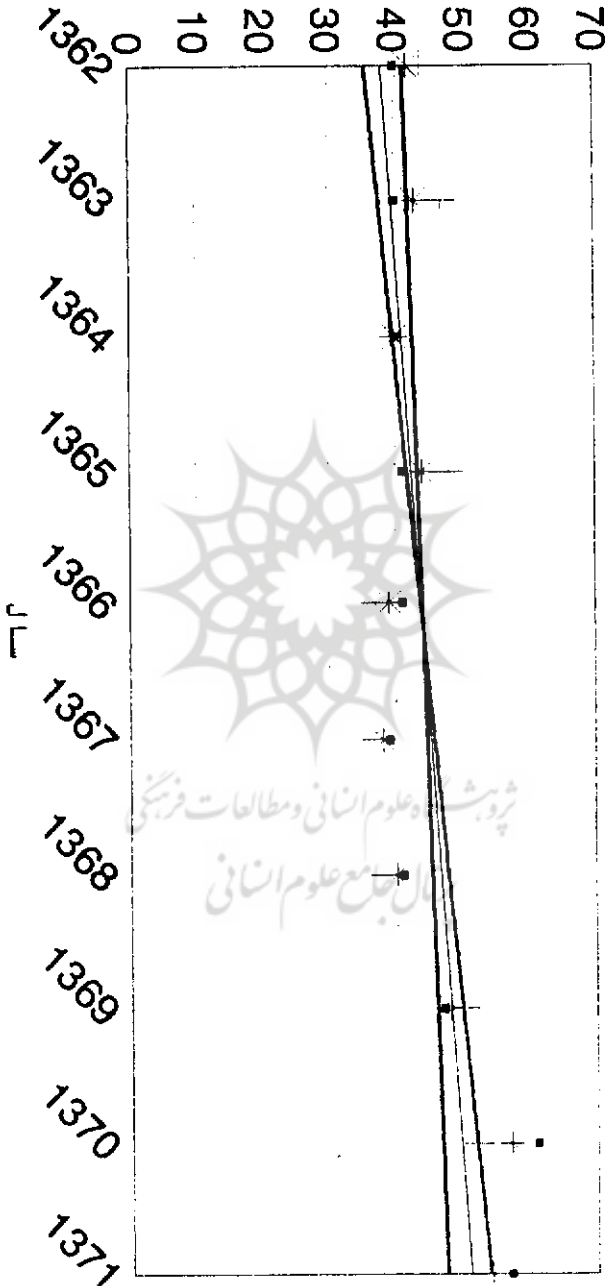
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حیوانات (گرم، روز) (



نمودار ۸: روند مصرف سرانه قند و شکر در مناطق شهری، روستایی و کل کشور ایران ۱۳۶۱-۱۳۷۱

قند و شکر (گرم در روز)



- *--- شهری $Y = 33/6 + 0.8X$
- + -+ روستایی $Y = 40/7 + 0.7X$
- * * * کل کشور $Y = 36/8 + 0.4X$

ب) روند مصرف سرانه انرژی و مقایسه با مقادیر موردنیاز در ایران

طی سالهای ۱۳۶۲-۷۱

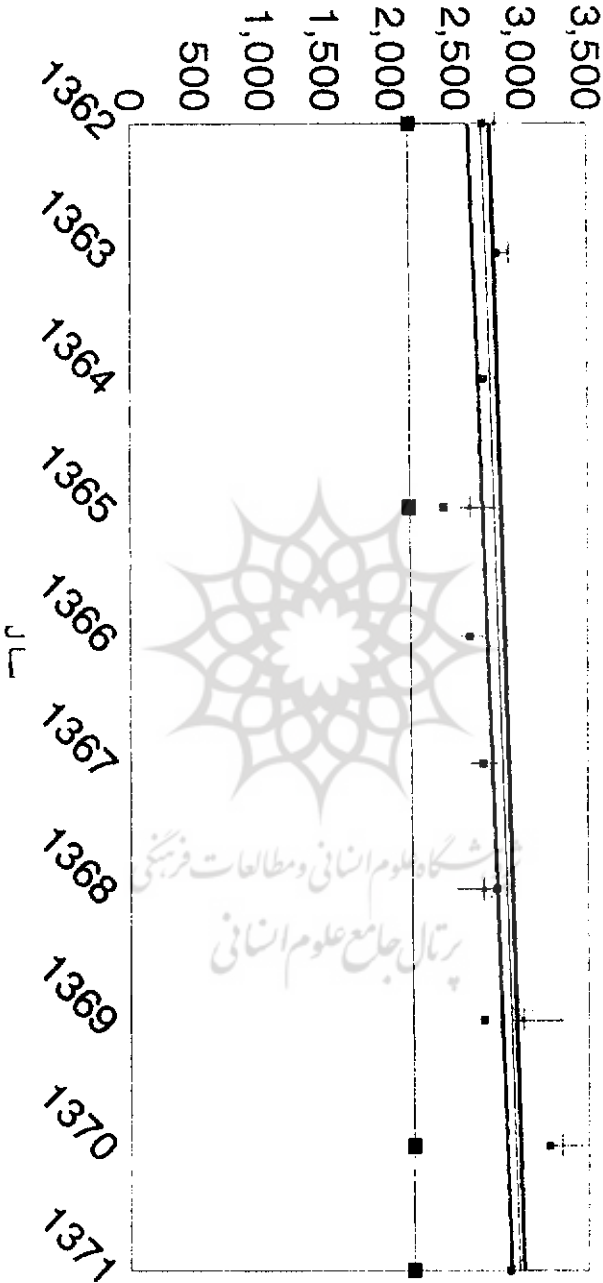
پیامد تغییرات در مصرف انواع مواد غذایی را می‌توان در روند مصرف انرژی و مواد مغذی جستجو کرد. حد متوسط سرانه انرژی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور طی سالهای ۶۲-۷۱ در جدول ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود روند مصرف سرانه انرژی در مناطق شهری و روستایی نوساناتی داشت، اما روند با فرض خطی بودن صعودی بوده است. نکته دیگری که نمودار ۹ نشان می‌دهد این است که مصرف انرژی به طور متوسط در جامعه روستایی نسبت به جامعه شهری بالاتر بوده است، هر چند تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبود. مقایسه حد متوسط مصرف سرانه انرژی طی سالهای مورد بررسی با مقادیر مورد نیاز محاسبه شده برای یک نفر ایرانی نشان می‌دهد که حد متوسط مصرف انرژی چه در مناطق شهری و چه روستایی و یا به طور متوسط در کل کشور بیش از حد مورد نیاز (بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ درصد نیاز) بود.

بررسی روند سهم گروه‌های مختلف مواد غذایی در تأمین انرژی در مناطق شهری طی سالهای ۱۳۶۲-۷۱، نشان‌دهنده افزایش سهم نان (از ۳۹ به ۴۳ درصد) و برنج (از ۱۱ به ۱۴ درصد) است. افزایش سهم روغن و چربی (از ۹ به ۱۰ درصد)، و قند و شکر (از ۶ به ۷ درصد) اندک بود. از سوی دیگر، سهم انواع گوشت و تخم‌مرغ (از ۱۱ به ۶ درصد)، شیر و فراورده‌های آن (از ۱۰ به ۵ درصد) و انواع سبزی و میوه (از ۹ به ۴ درصد) کاهش یافت. طی همین دوره مناطق روستایی شاهد افزایش سهم برنج (از ۱۹ به ۱۲ درصد)، انواع روغن و چربی (از ۷ به ۹ درصد) و قند و شکر (از ۶ به ۷ درصد) و برعکس، کاهش سهم نان (از ۶۳ به ۵۴ درصد) در تأمین انرژی بوده است. طی این مدت سهم انواع گوشت و تخم‌مرغ (۴ درصد)، شیر و فراورده‌های آن (۵ درصد) و سبزی و میوه (۳-۴ درصد)، در تأمین انرژی روستانشینان ثابت بود.

بررسی روند سهم درشت مغذیها در تأمین انرژی در مناطق شهری نشان دهنده افزایش

شماره ۹: روند مصرف سرانه انرژی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور ایران ۱۳۶۲-۷۱

انرژی (کیلوکالری)



شهری $Y = 2552 + 26X$

روستایی $Y = 2728 + 28X$

کل کشور $Y = 2660 + 31X$

مورد نیاز

مختصر سهم کربوهیدرات (از ۶۳ به ۶۶ درصد)، کاهش اندک سهم چربی (از ۲۴ به ۲۲ درصد) و همین طور کاهش جزئی سهم پروتئین (از ۱۲ به ۱۱ درصد) در تأمین انرژی است. در مناطق روستایی طی همین مدت سهم کربوهیدرات تقریباً ثابت ماند. در مقابل، سهم چربی با کمی افزایش از ۱۴ به ۱۶ درصد رسید و سهم پروتئین با توجه به خط روند، در عین نوسانات مختصر، در حدود ۱۲ درصد ثابت ماند.

۴- بحث و نتیجه گیری

الگوی مصرف مواد غذایی در کشور ما از دیرباز تاکنون در اثر برهم کنش عوامل متعددی چون میزان تولید و عرضه مواد غذایی، جمعیت، باورهای غذایی، شیوه زندگی و قدرت خرید خانوارها به صورت فعلی شکل گرفته است که ویژگی آن مصرف زیاد نان و غلات و مصرف کم فراورده‌های حیوانی است. یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که طی سالهای ۱۳۶۲-۷۱، الگوی مصرف مواد غذایی در ایران دستخوش یک سری تغییرات شده بود، بدین ترتیب که مصرف نان، برنج، حبوبات، قند و شکر، روغن و چربی روندی افزایشی داشت و مصرف انواع گوشت و تخم مرغ، لبنیات، سبزی و میوه، برعکس دارای روندی کاهشی بود. مهمترین عواملی که به نظر می‌رسد در طی دوره مطالعه (۱۳۶۲-۷۱) موجب تغییر الگوی مصرف مواد غذایی ایران شده باشد عبارت است از:

۱- میزان عرضه سرانه مواد غذایی در سطح کلان که خود از جمعیت، تولیدات کشاورزی، واردات و صادرات مواد غذایی و همچنین اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور مانند جنگ، تحریم اقتصادی، تغییرات درآمد ملی و غیره تأثیر پذیرفته است.

۲- قدرت خرید خانوارها که خود از درآمد، قیمت‌ها و بسیاری عوامل دیگر تأثیر می‌پذیرد (دسترس اقتصادی خانوار).

۳- پدیده مهاجرت از روستا به شهر که می‌تواند موجب تغییر الگوی مصرف مواد غذایی در شهر و روستا شود (۲۰-۲۱) البته احتمال دارد که سطح آگاهیهای تغذیه‌ای

جامعه ایرانی نیز طی دوره مطالعه افزایش پیدا کرده باشد اما اولاً تأثیرش بر الگوی مصرف مواد غذایی در مقایسه با عواملی چون قدرت خرید خانوار احتمالاً چشمگیر نبوده و ثانیاً در این مطالعه، به الگوی مصرف مواد غذایی تنها از دیدگاه مقدار مصرف مواد غذایی نگریسته شده و سایر جنبه‌ها نظیر طریقه نگهداری مواد غذایی (مرباسازی، منجمد کردن، ...)، گرایش به استفاده از محصولات فرایند شده به جای فرآورده‌های سنتی، رعایت بهداشت مواد غذایی و غیره در نظر نبوده است.

بررسی تغییرات در عرضه مواد غذایی در سطح کلان سالهای ۶۵-۷۱ براساس ترازنامه غذایی نشان می‌دهد که روند عرضه سرانه برخی اقلام غذایی نظیر گندم، برنج، حبوبات، قند و شکر، با روند مصرف سرانه این مواد غذایی براساس نتایج مطالعه حاضر (مطالعات بودجه خانوار) همخوانی دارد و هر دو روش روند افزایشی و در برخی موارد کاملاً موازی را نشان می‌دهند، اما در مورد برخی دیگر از محصولات غذایی نظیر انواع گوشت و تخم مرغ و لبنیات، اطلاعات ترازنامه غذایی نتایجی متفاوت با مطالعه حاضر در خصوص روند مصرف سرانه نشان می‌دهد. به عبارتی افزایش عرضه سرانه انواع گوشت و تخم مرغ یا لبنیات از بعد کلان نتوانسته است منجر به افزایش مصرف سرانه این گروه از مواد غذایی نزد خانوارها گردد. در اینجا بجاست که روند الگوی مصرف مواد غذایی را در ارتباط با روند قدرت خرید خانوارها نیز بررسی کنیم.

الگوی مصرف خانوار از میزان در آمد و قیمت‌ها تأثیر می‌پذیرد. هنگامی که قیمت‌ها و نرخ تورم با آهنگی سریعتر از درآمد افزایش یابد، بهره‌مندی خانوارها از کالاها و خدمات مورد نیاز کاهش پیدا می‌کند و الگوی مصرف به تنهایی نمی‌تواند مورد تجزیه و تحلیل واقع شود مگر آنکه همراه با آن درآمد واقعی و قدرت خرید خانوارها نیز مورد توجه قرار گرفته باشد (۲۳). محققان تغذیه و اقتصاد در دهه ۱۹۷۰ اعلام کردند که عرضه غذا به مقدار کافی نمی‌تواند موجبات ریشه‌کنی سوء تغذیه را فراهم کند (۲۴ و ۲۵) و کارشناسان بانک جهانی نشان دادند که افزایش درآمد نقش بیشتری در کاهش نرخ سوء تغذیه داشته است تا افزایش

غذا و خانوارهای کم درآمد حتی در زمانی که غذا در بازار به حد کافی عرضه می‌شود، دسترس به غذای کافی ندارند (۶).

بررسی الگوی مصرف خانوارهای شهری به قیمت ثابت طی سالهای ۶۱-۷۰ (۲۳) نشان می‌دهد با آنکه در آمد خانوارها طی این دوره ظاهراً افزایش یافته است ولی افزایش تورم بیش از افزایش مزبور بوده به طوری که از قدرت خرید خانوار ۵/۱ درصد کاسته شده است، بنابراین می‌توان فرض کرد که واکنش خانوارهای شهری در مقابل کاهش قدرت خرید، جایگزین کردن نان (ماده غذایی اصلی و ارزان) به جای مواد غذایی گرانبه‌تر و دارای کشش تقاضای زیاد، نظیر انواع گوشت و تخم‌مرغ بوده است. بررسی درآمدهای واقعی خانوارهای روستایی طی دوره ۶۱-۷۰ نشان می‌دهد که قدرت خرید در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۶۱، ۱۹/۷ درصد افزایش داشت. طی این دوره از تفاوت بین درآمد واقعی خانوارهای شهری و روستایی کاسته شد، به طوری که نسبت درآمد واقعی خانوار شهری به روستایی که در سال ۱۳۶۱ برابر با ۱/۸ بود در سال ۱۳۷۰ به ۱/۴ تنزل پیدا کرد. (۲۳)

بررسی الگوی مصرف خانوارهای روستایی به قیمت جاری طی سالهای ۵۰-۷۰ نیز نشان می‌دهد که طی این دوره الگوی مصرف مواد خوراکی خانوار روستایی به الگوی مصرف مواد خوراکی خانوار شهری نزدیک شد و هزینه مواد غذایی پروتئینی در مقابل هزینه مواد غذایی نشاسته‌ای افزایش یافت (۳). یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد که مصرف سرانه نان در خانوارهای روستایی طی دوره ۶۲-۷۱ با فرض خطی بودن رابطه روندی نزولی داشت و از ۶۰۰ گرم در سال ۱۳۶۲ به ۵۴۴ گرم در سال ۱۳۷۱ رسید. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که روند مصرف سرانه انواع گوشت و تخم‌مرغ در مناطق روستایی طی دوره بررسی صعودی بوده است (البته در هیچیک از موارد روند معین‌دار نبود). بنابراین در مناطق روستایی، احتمالاً عکس آنچه در مناطق شهری اتفاق افتاده بود رخ داده است.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که در مناطق شهری مصرف سرانه انرژی طی دوره بررسی به طور کلی روند صعودی داشت (کاهش تا سال ۶۵ و افزایش از سال ۶۶ تا ۷۱ به

استثنای افت سال (۶۹) و از ۲۷۰۰ کیلوکالری در سال ۱۳۶۲ به ۲۹۰۰ کیلوکالری در سال ۱۳۷۱ رسید. علت این افزایش را باید در ارتباط با چگونگی تغییرات مصرف انواع مواد غذایی طی دوره بررسی جستجو کرد. همان طور که نتایج نشان داد، طی دوره مطالعه در مناطق شهری متوسط مصرف سرانه نان، برنج، حبوبات، قند و شکر و روغن افزایش پیدا کرد و همان طور که می دانیم کلیه مواد غذایی فوق نسبت به سایر گروههای غذایی از نظر انرژی دارای دانسیته بالایی هستند. نگاهی به روند ترکیب انرژی مصرفی در مناطق شهری نیز افزایش سهم نان، برنج، انواع روغن و چربی، حبوبات و قند و شکر را در تأمین انرژی سرانه تأیید می کند. بنابراین می توان صعودی بودن روند مصرف انرژی در مناطق شهری را ناشی از افزایش مصرف مواد غذایی غنی از کربوهیدرات و روغن و چربی ذکر کرد.

یافته ها نیز نشان دادند که در مناطق شهری طی دوره مطالعه، متوسط درصد تأمین انرژی برابر با ۱۱۲ تا ۱۴۸ درصد نیاز بوده است. البته ذکر این نکته ضروری است که نتایج بررسیهای بودجه و هزینه خانوار، تنها مقدار مواد غذایی خریداری شده توسط خانوار را نشان می دهد. بنابراین دریافت واقعی تا حدودی کمتر خواهد بود.

در مورد مناطق روستایی، یافته ها نشان داد که مصرف سرانه انرژی طی دوره مطالعه دارای نوسانهایی بود و در انتهای دوره نسبت به ابتدای آن تفاوتی نداشت (۲۹۰۰ کیلوکالری)، اما با در نظر گرفتن مصرف انرژی در تک تک سالها و با فرض خطی بودن رابطه، روندی صعودی حاصل شد و گرچه طی دوره مطالعه مصرف سرانه نان در مناطق روستایی روندی نزولی داشت ولی در عوض افزایش مصرف سرانه برنج، حبوبات، قند و شکر، انواع گوشت و تخم مرغ و سبزی و میوه و انواع روغن و چربی از نظر تأمین انرژی جبران کاهش مصرف نان را کرده بود. بررسی روند ترکیب انرژی مصرفی در مناطق روستایی با مقادیر مورد نیاز نشان می دهد که درصد تأمین انرژی طی سالهای ۱۳۶۲-۷۱ بین ۱۲۲ تا ۱۵۷ درصد بود. البته همان گونه که در مورد مناطق شهری نیز توضیح داده شد مصرف واقعی را باید مقداری کمتر از این حد در نظر گرفت و نکته دیگر اینکه در این

مطالعه نیاز به انرژی شهرنشینان و روستانشینان یکسان در نظر گرفته شده، در حالی که عملاً روستاییان به دلیل تحرک بیشتر به انرژی بیشتری احتیاج دارند.

جدا از میزان مصرف انرژی از بعد کمی، ترکیب آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد. توصیه می‌شود ۷۵-۵۵ درصد انرژی از کربوهیدرات، ۱۰-۱۵ درصد از پروتئین و ۱۵-۳۰ درصد از چربی تأمین شود (۲۷). مطالعه روند سهم درشت مغذیها در تأمین انرژی در مناطق شهری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۲، سهم کربوهیدرات، پروتئین و چربی در تأمین انرژی به ترتیب ۶۳/۳ درصد، ۱۲/۶ درصد و ۲۴/۱ درصد بود و طی دوره مطالعه بر سهم کربوهیدرات افزوده شد و در مقابل اندکی از سهم پروتئین و چربی کاسته شد به طوری که در سال ۱۳۷۱، سهم کربوهیدرات، پروتئین و چربی در تأمین انرژی به ترتیب به ۶۶/۴، ۱۱/۲ و ۲۲/۴ درصد تغییر کرد. اما به هر حال طی ۱۰ سال مورد مطالعه، ترکیب انرژی از نظر درشت مغذیها در محدوده توصیه شده از سوی سازمان جهانی بهداشت قرار داشت.

مطالعه روند سهم درشت مغذیها در تأمین انرژی مناطق روستایی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۲، سهم کربوهیدرات، پروتئین و چربی در تأمین انرژی به ترتیب ۷۳/۴، ۱۲/۲ و ۱۴/۴ درصد بود و طی گذشت ۱۰ سال سهم کربوهیدرات کاهش جزئی یافت و به ۷۲/۵ درصد رسید. سهم پروتئین نیز با اندکی کاهش به ۱۱/۳ درصد رسید و در عوض سهم چربی حدود ۲ درصد افزایش پیدا کرد و به ۱۶/۲ درصد رسید. بنابراین طی این ده سال در مناطق روستایی گرایش اندکی به سمت مصرف بیشتر چربی بود و ترکیب انرژی از نظر درشت مغذیها که در سال ۱۳۶۲ از لحاظ سهم چربی خارج از محدوده توصیه شده بود، به سطح قابل قبولی در سال ۱۳۷۱ رسید. این قسمت از یافته‌ها نزدیکتر شدن الگوی مصرف مواد غذایی مناطق شهری و روستایی به یکدیگر را طی سالهای ۱۳۶۲-۷۱ نشان می‌دهد، زیرا تفاوت اساسی الگوی مصرف مواد غذایی در مناطق روستایی و شهری ایران، مصرف بالاتر کربوهیدرات و مصرف کمتر چربی نزد روستانشینان نسبت به شهرنشینان است که طی ده سال مورد مطالعه از این تفاوت مقداری کاسته شده است.

مطالبی که عنوان شد، تصویری از روند مصرف سرانه مواد غذایی، انرژی و ترکیب آن را به طور متوسط در مناطق شهری و روستایی ایران ترسیم کرد، حال آنکه ارقام مربوط به حد متوسط مصرف، گویای چگونگی توزیع مصرف مواد غذایی در بین قشرها و طبقات مختلف مردم و افراد خانوار نیست. گذشته از آن در یک رژیم غذایی متعادل علاوه بر تأمین انرژی از نظر کمی و کیفی، باید به کمیت و کیفیت تأمین ریز مغذیها، ویتامینها و املاح نیز توجه شود. در حال حاضر روند مصرف سرانه درشت مغذیها (شامل پروتئین، کربوهیدرات و چربی) و ریز مغذیها (شامل آهن، کلسیم، ویتامین A و ریوفلاوین) طی سالهای ۱۳۶۲-۷۱ و همچنین متوسط مصرف سرانه مواد غذایی، انرژی و برخی مواد مغذی در ایران به تفکیک گروههای هزینه در سال ۱۳۷۱ در دست مطالعه است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

- ۱- بزرگ، ش.
بررسی مصرف مواد غذایی بر حسب درآمد در جامعه شهری و روستایی کل کشور در دو فصل تابستان و زمستان. پایان نامه فوق لیسانس علوم تغذیه، انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی، سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶.
- ۲- نواب، ن.
روند مصرف مواد غذایی در ارتباط با درآمد و جمعیت در ایران و سایر ممالک جهان. پایان نامه فوق لیسانس علوم بهداشتی در تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳.
- ۳- پیروی، پ.
بررسی مصرف مواد غذایی در ایران. پایان نامه فوق لیسانس علوم تغذیه، انستیتو خواربار و تغذیه ایران، سال تحصیلی ۴۴-۱۳۴۳.
- ۴- امامی، ز.
مقایسه مصرف مواد گوشتی در شهر و روستا با توجه به تغییرات اقتصادی در چند سال اخیر. پایان نامه فوق لیسانس علوم بهداشتی در تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶.
- ۵- علاف مقدم، ف.
بررسی وضع تغذیه بزرگسالان در آذربایجان غربی. پایان نامه فوق لیسانس علوم بهداشتی در تغذیه دانشکده بهداشت، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۹-۱۳۵۸.
- ۶- عافیت میلانی، ش.
بررسی وضع تغذیه کودکان و نوجوانان در آذربایجان غربی. پایان نامه فوق لیسانس علوم بهداشتی در تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۹-۱۳۵۸.
- ۷- خلیلی، س.

بررسی جامع وضع تغذیه ساکنان روستاهای شهرستانهای کرمان و زرنند. پایان نامه فوق لیسانس علوم بهداشتی در تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵.

8- ANONYMUS

Situation Analysis of Woman and Children in the Islamic Republic of Iran.
UNICEF, Tehran, PP: 76-80,1992

نقل قول از:

سیاسی، ف.

سوء تغذیه، سدی فرا راه فرایند توسعه ملی. ویژه نامه امنیت غذایی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی توسعه، سال دوم: ۱۷۴-۲۰۱، تهران، پاییز ۱۳۷۳.

۹- قاسمی، خ.

رشد کودکان و نوجوانان: مروری بر پژوهشی در ایران. انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، تهران، تیرماه ۱۳۷۱

11- Djazayeri, A.

Food and Nutrition planing in the Islamic Republic of Iran. WHO Intercountry Workshop on Towards a National Nutrition Policy. Alexandria, Egypt, 1984.

۱۲- جزایری. ا.

کنفرانس بین المللی تغذیه و پیامدهای آن در ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه نامه امنیت غذایی، سال دوم ک ۵۶-۲۴۱، تهران، پاییز ۱۳۷۳

13- Brown, G.E.

National nutrition monitoring system: A congressional Perspective. J. Am. Diet. Assoc. 84: 1181- 9, 1984.

14- Vanstaveran, W.A; Van Beem , I; Helsing ,E.

Household Budget Surveys

In: Food and Health Data, Their Use in Nutrition Policy Making. Backer, W. Helsing, E. (Eds), WHO Regional Publications, European Series, No. 34, PP:49-61, Copenhagen, 1991.

۱۵- سازمان برنامه و بودجه

نتایج آمارگیری از هزینه درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران، سالهای ۱۳۶۲-۷۱ (داده‌های کامپیوتری)، مرکز آمار ایران.

۱۶- ترسرسیسیان، ن.، رحمانیان، م.، آذر، م.، میوریان، ح.، خلیلی، ش.

جدول ترکیبات مواد غذایی ایران، جلد اول: مواد غذایی خام. انتشارات انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، شماره ۱۳۱، تهران، ۱۳۵۸.

۱۷- واقفی، س.، عاقلی، ن.، نفیسی، ن.

ترکیبات مواد غذایی خام، پخته و فرایند شده. انتشارات انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی، نشریه شماره ۱۳۰، تهران ۱۳۵۷.

۱۸- سازمان برنامه و بودجه

مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۳-۱۳۷۷. جلد پنجم مدل‌های کلان و الگوی پیشبینی تحولات جمعیتی مورد استفاده در تدوین برنامه دوم. صفحه ۳۴، سازمان برنامه و بودجه - تهران، آذر ۱۳۷۲.

۱۹- انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور

جدول نیازمندیهای سرانه انرژی و مواد معدنی ایران. انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، گروه تغذیه انسانی، ۱۳۶۹.

12- Hussain, A.; Luven, P.

Urbanization and Hunger in the Cities. Food Nutr. Bull., 9:40-61, 1987.

۲۱- ماهر، ف

- مهاجرت، نشانه کلاسیک نبود امنیت غذایی. فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه سال سوم شماره ۹، صفحات ۲۱۱-۲۱۶، تهران، بهار ۱۳۷۴.
- ۲۲- ترازنامه غذایی ایران ۱۳۶۵-۷۱، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، گروه مطالعات امنیت غذایی، ۱۳۷۳.
- ۲۳- مرکز آمار ایران
الگوی مصرف و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور ۱۳۵۰-۱۳۷۰. مرکز آمار ایران، تهران، مرداد ۱۳۷۲.

24- Sweemer, C.

Growth and Morbidity, Ph.D. Dissertation, John Hopkins University, Baltimore, 1974.

- تعاریف و مبانی نظری امنیت غذایی. قاسمی، ح (نویسنده)، ویژه نامه امنیت غذایی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم: ۱۲-۳۶، تهران، پاییز ۱۳۷۳.

25- Berg. A.

Malnutrition. What Can vedone: Lessons from World Bank

Experience. The John Hopking University Press, Baltimore, P:, 1987.

- تعاریف و مبانی نظری امنیت غذایی قاسمی، ح (نویسنده)، ویژه نامه امنیت غذایی، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم: ۱-۳۶، تهران، پاییز ۱۳۷۳.

26- Selwsky, M.

The Economic Dimension of Malnutrition in Young Children. World Bank Staff paper, No. 247, Washington DC, 1978.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۱۴

نقل قول از: تعاریف و مبانی امنیت غذایی، قاسمی، ح (نویسنده) ویژه نامه امنیت غذایی، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم: ۱۲-۳۶، تهران، پاییز ۱۳۷۳.

27- WHO

Diet, Nutrition and the Prevention of Chronic Diseases. Report of a Who Study Group. WHO Technical Report Series. 797, PP: 20, 108, Geneva, 1990.



جدول ۱: روند مصرف سرانه مواد غذایی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور ایران طی سالهای ۱۳۶۷-۷۱
واحد: گرم در روز

مواد غذایی	سال	
	روستایی	کل کشور
نان	۳۷۷	۳۷۷
برنج	۹۰۰	۹۰۰
	۴۶۰	۴۶۰
انواع گوشت و تخم مرغ	۱۷۵	۱۷۵
	۷۱	۷۱
لبیات	۱۲۶	۱۲۶
	۱۵۲	۱۵۲
روغن و چربی	۱۴۷	۱۴۷
	۱۵۰	۱۵۰
میوه و سبزی	۳۲	۳۲
	۲۰	۲۰
حیوانات	۲۶	۲۶
	۷۲۲	۷۲۲
قند و شکر	۲۲۳	۲۲۳
	۴۹۸	۴۹۸

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱
شهری	۳۹۵	۳۹۴	۳۹۱	۳۹۱	۳۹۱
روستایی	۹۵	۸۸	۸۵	۸۵	۸۵
کل کشور	۴۹۰	۴۸۱	۴۷۶	۴۷۶	۴۷۶
شهری	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳
روستایی	۸۶	۸۶	۸۶	۸۶	۸۶
کل کشور	۱۹۵	۱۹۵	۱۹۵	۱۹۵	۱۹۵
شهری	۱۷۴	۱۷۴	۱۷۴	۱۷۴	۱۷۴
روستایی	۷۱	۷۱	۷۱	۷۱	۷۱
کل کشور	۱۲۶	۱۲۶	۱۲۶	۱۲۶	۱۲۶
شهری	۱۵۲	۱۵۲	۱۵۲	۱۵۲	۱۵۲
روستایی	۱۴۷	۱۴۷	۱۴۷	۱۴۷	۱۴۷
کل کشور	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
شهری	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲
روستایی	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
کل کشور	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶
شهری	۷۲۲	۷۲۲	۷۲۲	۷۲۲	۷۲۲
روستایی	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳
کل کشور	۴۹۸	۴۹۸	۴۹۸	۴۹۸	۴۹۸

جدول ۲: روند مصرف سرانه انرژی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور ایران طی سالهای ۱۳۶۲-۷۱

سال منطقه	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱
شهری	۲۷۰۰	۲۸۰۰	۲۷۰۰	۲۴۰۰	۲۶۰۰	۲۷۰۰	۲۸۰۰	۲۷۰۰	۳۲۰۰	۲۹۰۰
روستایی	۲۹۰۰	۳۰۰۰	۲۸۰۰	۲۷۰۰	۲۶۰۰	۲۷۰۰	۲۶۰۰	۳۲۰۰	۳۴۰۰	۲۹۰۰
کل کشور	۲۸۰۰	۲۹۰۰	۲۸۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۷۰۰	۲۷۰۰	۳۰۰۰	۳۳۰۰	۳۳۰۰

واحد: کیلوکالری در روز

سپاسگزاری

بدینوسیله از افراد ذیل که بنحوی در انجام مطالعه حاضر همکاری کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنیم.

جناب آقای احمد رضا درستی مطلق

جناب آقای دکتر فریدون سیاسی

جناب آقای دکتر حسین قاسمی

جناب آقای دکتر محمود محمودی

سرکار خانم مهندس فرح آرا نوروزی

سرکار خانم معصومه غفار پور

جناب آقای مهندس هرمزد هرمز دیاری

جناب آقای ناصر والایی:

مدیریت آمارهای اقتصادی - اجتماعی مرکز آمار ایران

پرتال جامع علوم انسانی